

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 20, No. 10, Winter 2020, 45-70  
Doi: 10.30465/crtls.2020.5874

## **A Review and Critique of *Instructional Models for Physical Education***

**Mohsen Hallaji\***

### **Abstract**

The purpose of this study was to criticize the book “*Instructional Models for Physical Education*”. The research method of critical philosophical exploration and society was the study of the content and structure of the book. National Criticism Questionnaire was used as a tool and framework for the critique. The book has 693 pages, two parts, and 15 chapters. The findings of the review were presented in two dimensions: description and interpretation of the form and content of the work. The points regarding the form analysis include layout, literary editing, full ID, and good quality prints. Some content scores include content in sections and chapters, content matching with the headlines of some academic lessons, expanding the idea of designing and implementing physical education lessons’ shapes such as low charm, large numbers book pages. Content failures encompass duplication of content, relative neglect to refer to existing scientific theories, lack of mentioning the integration patterns, the problem of teaching a book during a semester for a two-unit lesson, moderate and weak equation of specialized terminology, and uncertainty to translate book. According to the teacher’s guide books, this book is not recommended to Iranian Physical education teachers.

**Keywords:** Instructional Models, Physical Education, Book Reviews and Critique, Sport Pedagogy.

---

\* Assistance Professor of Physical Education, Farhangian University, hallajmohsen@gmail.com

Date received: 2020-07-11, Date of acceptance: 2020-11-21

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بررسی و نقد کتاب الگوهای آموزشی در تربیت بدنی

محسن حلاجی\*

### چکیده

هدف از این پژوهش نقد کتاب الگوهای آموزشی در تربیت بدنی اثر مایکل دبلیو. متسلر و ترجمه رضوان رضوانی اصل و همکاران است. روش پژوهش کاوش‌گری فلسفی انتقادی و جامعه تحقیق محتوا و ساختار کتاب است. پرسش‌نامه «نقد کتب ملی» ابزار و چهارچوب نقد این کتاب است. این کتاب ۶۹۳ صفحه، دو بخش، و پانزده فصل دارد. کتاب در دو بعد شکلی و محتوایی تحلیل خواهد شد. امتیازات شکلی شامل صفحه‌آرایی، ویرایش ادبی، شناسه کامل، و کیفیت خوب چاپ است. برخی از امتیازات محتوایی شامل چینه‌مطالب در قالب بخش و فصل، تطابق محتوا با سرفصل‌های برخی از دروس دانشگاهی، و بسط ایده جامع در طراحی و اجرای درس تربیت بدنی است. کاستی‌های شکلی شامل جذابیت کم طرح جلد و شمار زیاد صفحات کتاب است. کاستی‌های محتوایی شامل تکراری بودن مطالب، بی‌توجهی نسبی به اشاره به نظریه‌های علمی موجود، اشاره نکردن به الگوهای آموزشی تلفیقی، مشکل تدریس کتاب طی یک ترم برای درسی دوواحدی، معادل‌سازی متوسط و ضعیف اصطلاحات تخصصی، و عدم اطمینان به ترجمه کتاب است. باتوجه به در دسترس بودن کتاب‌های راهنمای معلم توصیه این کتاب به معلمان تربیت بدنی ایرانی شایسته نیست.

**کلیدواژه‌ها:** الگوهای آموزشی، تربیت بدنی، بررسی و نقد کتاب، پداگوژی ورزشی.

---

\* استادیار گروه آموزش تربیت بدنی، پردیس شهید چمران، دانشگاه فرهنگیان، hallajymohsen@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

## ۱. مقدمه

نقد به‌منزله مهارتی شناختی گویای تلاش ناقد در تمییز امتیازات و کاستی‌های اندیشه، روش، و یا اثر است. نقد کتاب توصیف، تحلیل انتقادی، ارزیابی کیفیت، اهمیت، و تأثیرگذاری یک کتاب در زمینه‌ای خاص است. کتاب درحکم قدیمی‌ترین رسانه مکتوب همواره اهمیت زیادی دارد. با پیدایش رسانه‌های دیجیتالی، جایگاه کتاب‌های عمومی در مقایسه با گذشته تنزل یافته است، اما کتاب‌های علمی و دانشگاهی هرگز از جایگاه مرجعیت خلع نشده‌اند و همیشه به‌منزله عامل انتقال پیام‌ها و یافته‌های پژوهش‌های علمی بوده‌اند (نویدی ۱۳۹۴). رسالت تولید کتاب‌های باکیفیت نه فقط بر دوش مؤلفان و ناشران، بلکه بر دوش ناقدان صاحب‌اندیشه است تا با نقد خود کاستی‌ها و امتیازهای کتاب‌های علمی دانشگاهی را معرفی کنند و راه را برای بهبود این‌گونه کتاب‌ها هموار کنند.

انتشار کتاب‌های علمی دانشگاهی در علوم ورزشی و تربیت بدنی، که دارای رشته‌های نظری/رشته‌های موضوعی (مثلاً پداگوژی ورزش/آموزش ورزش) است، به‌دلیل فلسفه و کارکرد آن در ابعاد اجتماعی، تربیتی، سیاسی، و اقتصادی و مطرح‌شدن آن به‌مثابه رشته‌ای دانشگاهی با دوره‌های تحصیلی در زیرگرایش‌های متعدد یک ضرورت است. یکی از این گرایش‌ها «آموزش تربیت بدنی» است. به‌لحاظ تاریخی بُعد علمی آموزش تربیت بدنی بعد از ظهور ورزش و تعلیم و تربیت ورزشی (PE) در صحنه علوم وارد شده است. امروزه ورزش و تعلیم و تربیت ورزشی با توجه به یافته‌های علوم ورزشی تجزیه، تحلیل، و کنترل شده‌اند و توسعه یافته‌اند. تأثیر علوم ورزشی به‌طور عمده در «پداگوژی ورزشی» است. به‌دلیل نظریه‌های حوزه علوم ورزشی و رشته‌های کاربردی علوم تربیتی، چنین تأثیرهایی در رشته علمی «آموزش ورزش و تربیت بدنی» اجتناب‌ناپذیر است (Haag 2008).

از سال‌های گذشته متخصصان علاقه‌مند به نشر آثار مرتبط با موضوع آموزش تربیت بدنی به‌منظور پاسخ‌گویی به نیاز معلمان، دانشجویان، و سایر علاقه‌مندان به تألیف و ترجمه کتاب‌ها و مقالاتی در زمینه برنامه‌ریزی و آموزش تربیت بدنی اقدام کرده‌اند. برای نمونه کلیات روش‌های تدریس درس تربیت بدنی دوره ابتدایی (امیرتاش ۱۳۷۲)، روش تدریس تربیت بدنی در مدارس راهنمایی (پویانفر ۱۳۷۵)، معلم تربیت بدنی، راهنمای تدریس، پایه اول ابتدایی (سراج‌زاده ۱۳۸۲)، آموزش مهارت‌های ورزشی (کریستین ۱۳۸۲)، مدل‌های آموزش تربیت بدنی در مدارس (رمضانی‌نژاد ۱۳۸۵)، روش تدریس تربیت بدنی (شفیعی ۱۳۸۶)، روش‌های آموزش تربیت بدنی (آذربانی ۱۳۸۹)، روش‌ها، فنون و

الگوهای تدریس تربیت بدنی (آذربانی ۱۳۹۲)، آموزش تربیت بدنی، اهداف و راه‌بردها (Helison 1392)، الگوها و روش‌های تدریس (حلاجی ۱۳۹۶)، آموزش مسئولیت‌پذیری از طریق فعالیت‌های حرکتی (Helison 1396)، راهنمای معلم تربیت بدنی پایه ششم ابتدایی (ارشاد و دیگران ۱۳۹۰)، راهنمای معلم دوره اول متوسطه (ارشاد و دیگران ۱۳۹۳)، و راهنمای دوره متوسطه دوم (ارشاد و دیگران ۱۳۹۶) را می‌توان نام برد. این روند ادامه دارد و در آینده منابع متنوع و جامع‌تری در اختیار برنامه‌ریزان، معلمان، و دانشجو معلمان قرار خواهد گرفت. اما آنچه بیش از همه ایجاد نگرانی می‌کند و تلاش مضاعفی را برای تحلیل و سپس ایجاد هم‌سوی بین متخصصان تربیت بدنی در ایران می‌طلبد، ابهام در زیررشته‌های علوم تربیتی هم‌چون آموزش، برنامه‌ریزی، طراحی آموزشی، و ارزش‌یابی در زمان کاربرد در حوزه تربیت بدنی و تدریس ورزش مدارس است.

## ۲. بیان مسئله

تحقق اهداف تربیت بدنی در مدارس مستلزم گذر از فرایندی است که برنامه‌ریزی درسی، اجرا، و ارزش‌یابی از عناصر کلیدی آن به‌شمار می‌رود. هاگ (2008) مدل APRE را به‌منزله تبیین فرایند یاددهی - یادگیری و تمرین در ورزش معرفی می‌کند. این مدل فرایندی را می‌توان با مدل ساختار عاملی مطابقت داد. هر دو ساختار به‌منظور تهیه چهارچوبی نظری برای نظریه آموزشی (برای مثال ساختار عاملی) و چشم‌اندازی عملی (برای مثال ساختار فرایندی) بسیار مهم‌اند (Haag 2003). در جدول ۱ می‌توان تطابق بین ساختار عاملی با مراحل فرایند APRE را مشاهده کرد.

جدول ۱. تطابق بین ساختار عاملی با مراحل فرایند APRE

فرایند - محوری	عامل - محوری
A - تجزیه و تحلیل	۱. پیش‌نیازهای انسان‌شناختی ۲. پیش‌نیازهای اجتماعی - فرهنگی
P - برنامه‌ریزی	۳. آرمان‌ها/ اهداف ۴. محتوا
R - اجرا (عمل)	۵. روش ۶. رسانه
E - ارزش‌یابی	- محصول (نتیجه) - فرایند

پرواضح است، ترکیب ساختار عاملی و فرایندی باید در نظامی آموزشی تحقق پیدا کند (Haag 2008). مؤلف کتاب *الگوهای آموزشی در تربیت بدنی* در همین زمینه باتوجه‌به تجارب غنی خود در برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، تحقق استانداردهای ملی تربیت بدنی در ایالات متحده را، که نخستین‌بار در سال ۲۰۰۴ به کوشش انجمن ملی ورزش و تربیت بدنی تولید شد و اکنون با تغییراتی نه‌چندان زیاد در کتابچه چهارچوب تربیت بدنی برای مدارس دولتی کالیفرنیا آورده شده است، به اجرای الگوهای آموزشی منوط می‌داند و به همین منظور کتاب مورد‌مطالعه را تألیف کرده است. اخیراً در کشورمان پس از تولید و تصویب برنامه درسی ملی، راه‌نمای برنامه درسی سلامت و تربیت بدنی به‌کوشش گروه سلامت و تربیت بدنی دفتر تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشور تولید شده و برای تصویب نهایی به شورای عالی آموزش و پرورش سپرده شده است. در این راه‌نمای برنامه چیزی شبیه به استانداردهای ملی تربیت بدنی در ایالات متحده با عنوان شایستگی‌های پایه و دوره و در ذیل آن استانداردهای محتوا و استانداردهای عملکردی براساس شایستگی‌ها مذکور در نظر گرفته شده است. بنابراین در هر دو برنامه بر وجود استانداردها تأکید می‌شود. آنچه نویسنده کتاب موردنقد بر آن تأکید می‌کند گذر از روش، راه‌برد، و سبک تدریس و رسیدن به الگوی جامع آموزشی / تدریسی برای تحقق هر نوع شایستگی است. الگوی آموزشی از منظر نویسنده طرحی جامع و منسجم برای آموزش است که اجزای آن شامل بنیاد نظری (برای توصیف نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان)، بیان دستاوردهای معین یادگیری، تخصص معلم در دانش محتوایی، فعالیت‌های یادگیری متناسب با رشد، مسئولیت‌های معلم و دانش‌آموز، ساختار تکلیف منحصر‌به‌فرد، شاخص‌های تحقق دستاوردهای یادگیری، و سازوکارهای سنجش اجرای دقیق خود الگو است. به‌عبارت‌دیگر، بهترین الگوهای آموزشی در آموزش تربیت بدنی میان نظریه‌های یاددهی و یادگیری و فرایندهای ویژه، که معلم باید آن‌ها را در زمین و سالن ورزشی پیش ببرد، پیوند برقرار می‌کنند.

تألیف و نشر آثار زمانی اهمیت فزاینده خود را نمایان می‌کند که مطالب علمی مندرج در کتاب درنهایت در جمعیت کثیری تأثیر گذارد. ازجمله موارد تأثیر مطالب علمی در دانشجویان و دانشجومعلمان است، زیرا درنهایت جمع میلیونی دانش‌آموزان از دانش‌ها، گرایش‌ها، و مهارت‌های آموزشی آن‌ها تأثیر می‌پذیرند.

مسئله پیش‌روی محقق بررسی و نقد شکلی و محتوایی کتاب *الگوهای آموزشی* در تربیت بدنی نوشته مایکل دبلیو. متسلر (Michael W. Metzler) است. ازاین‌رو پرسش‌های

تحقیق در چهارچوب پرسش‌نامه «نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی (کتب ملی)» است. برخی از مهم‌ترین پرسش‌های موردنظر عبارت‌اند از: روش‌شناختی پیش‌روی نویسنده در تولید اثر از منظر ساختاری و محتوایی سستی، اثبات‌گرایانه، استعلایی، یا پست‌مدرن است؟ آیا نویسنده معیارهای نقادی آموزشی شامل نظم منطقی، اعتبار علمی و روزآمدی مطالب و منابع، استناددهی و ارجاعات، بی‌طرفی علمی، سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های علمی و پژوهشی، ارزش‌های اسلامی، و تناسب با اهداف درسی را رعایت کرده است؟

### ۳. روش‌شناسی

روش تحقیق از نوع کاوش‌گری فلسفی انتقادی به‌معنای حاکمیت تأمل فلسفی بر عمل شامل سه گام توصیف، تفسیر، و ارزش‌یابی است (هارگرسون ۱۳۸۷، به‌نقل از شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی). جامعه تحقیق ساختار و محتوای کتاب *الگوهای آموزشی در تربیت بدنی* است و نمونه برابر جامعه انتخاب شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه «نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی (کتب ملی)» تهیه‌شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. روایی صوری، سازه، و محتوایی پرسش‌نامه از جانب جمعی از اعضای هیئت علمی داخل و خارج از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تعیین شده است. این پرسش‌نامه دو بعد شکلی و محتوایی دارد. سؤالات بعد شکلی شامل چهار سؤال درباره مؤلفه‌های جامعیت صوری، فنی و ظاهری، نگارشی و ویرایشی، و روان و رسابودن است. سؤالات بعد محتوایی شامل بیست سؤال در ده قسمت در این خصوص است: ۱. نظم منطقی با دو سؤال، ۲. کمیت و کیفیت منابع با چهار سؤال، ۳. تحلیل و بررسی با دو سؤال، ۴. نوآوری با دو سؤال، ۵. مبانی و پیش‌فرض‌ها با دو سؤال، ۶. انطباق و جامعیت با سه سؤال، ۷. نحوه به‌کارگیری ابزارهای علمی با یک سؤال، ۸. اصطلاحات تخصصی با یک سؤال، ۹. رویکرد کلی با یک سؤال، و ۱۰. کاربرد آموزشی با دو سؤال. معیارهای نقد آموزشی برگرفته از همین پرسش‌ها بود.

### ۴. معرفی شکلی کتاب

کتاب *الگوهای آموزشی در تربیت بدنی* ترجمه *Instructional Models for Physical Education* نوشته مایکل دبلیو. متسلر متولد شیکاگو، معلم دبیرستان، استاد دانشگاه، و

مؤلف آثار متعدد در زمینه‌های نظارت آموزشی، سنجش در تربیت بدنی، آموزش گلف، و... است. کتاب دارای شناسه اثر کتاب‌خانه ملی با جزئیات کامل و ۶۹۳ صفحه شامل دو بخش، پانزده فصل، و جداول (ضمیمه) است. قطع کتاب وزیری، نوع جلد شومیز، و طرح روی جلد با اقتباس از کتاب اصلی است. حروف‌نگاری کتاب براساس شیوه‌نامه تدوین و آماده‌سازی منابع درسی و علمی (۱۳۸۹) است. کتاب فهرست مفصل، سخن‌ناشر، مقدمه مترجم، و پیش‌گفتار نویسنده دارد. هر بخش و فصل با مقدمه‌ای کوتاه شروع شده است و پس از ذکر زیرعنوان برای هر فصل نویسنده تلاش کرده تا با آوردن توضیحات کافی و گاهی هم‌راه‌کردن متن با جداول فهم مطالب را تسهیل کند. هم‌چنین در انتهای فصول قسمت‌هایی با عناوین خلاصه، فعالیت‌های یادگیری، موضوعاتی برای تأمل و بحث در گروه‌های کوچک، و منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر درباره موضوع همان فصل آورده شده است. متن روان است و در انتهای کتاب منابع مورداستفاده به انگلیسی و واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی آورده شده است.

## ۵. محتوای کتاب

در مقدمه کتاب مترجم و ویراستار علمی مختصراً ساختار کتاب شامل بخش‌بندی و فصول زیرمجموعه هر بخش و نیز هدف آن‌ها را معرفی می‌کند. نویسنده در پیش‌گفتار ابتدا سیر تحولی از «روش تا الگو» را تشریح می‌کند. در این باره، منظور نویسنده بهره‌گیری معلمان تربیت بدنی از فنون و روش‌های تدریسی است که به تدریج سیر تکاملی را از روش، راه‌برد، سبک، و مهارت پشت سر گذاشته‌اند و اکنون موضوع الگوهای آموزشی‌اند که در برنامه‌ریزی، اجرا، و سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان خودنمایی و چشم‌انداز جامع‌تر و منسجم‌تری را فراهم می‌کنند. سپس نویسنده عناوین الگوهای آموزشی را بیان می‌کند و هدف خود از نگارش کتاب را برای مخاطبان تبیین می‌کند. هدف مهم نویسنده از نگارش این کتاب تأکید و توصیه به معلمان بر تغییر رویکرد آموزشی‌شان از «روش» به «الگو» است.

**بخش اول** با عنوان «اصول آموزشی مبتنی بر الگو در تربیت بدنی» شامل هفت فصل است. ساختار فصول این بخش از الگوی مشابه تبعیت می‌کند و دارای مؤلفه‌های ارائه‌شده در جدول ۲ است.



جدول ۲. ساختار فصول بخش اول کتاب *الگوهای آموزشی در تربیت بدنی*

عنوان فصل
عناوین قسمت‌ها و زیرقسمت‌ها
خلاصه
فعالیت‌های یادگیری
موضوعاتی برای تأمل و بحث در گروه‌های کوچک
منابع پیش‌نهادی برای مطالعه بیشتر

**فصل اول** با عنوان «آموزش و برنامه‌های امروزی تربیت بدنی»، ابتدا سیر تحول هدف‌ها، برنامه‌ها، و آموزش تربیت بدنی در ایالات متحده را تشریح می‌کند و با اشاره به رویکردهای آموزش رسمی و مستقیم، راه‌بردها، سبک‌ها، مهارت‌های تدریس، و الگوهای آموزشی نشان می‌دهد که روش‌های آموزش تربیت بدنی مسیری تکاملی را طی کرده است. نویسنده سپس در این فصل به استانداردها و سنجش آن‌ها در تربیت بدنی اشاره کرده است. طرح موضوع استانداردها به دلیل رفع دغدغه‌های بین معلم‌ها، مؤسسات آموزشی، و ایالات در دستیابی دانش‌آموزان به شایستگی‌های موردنظر در هر پایه و دوره تحصیلی است. در انتهای این فصل نویسنده به موضوع الگوهای آموزشی به‌منزله نقشه‌های اولیه یاددهی و یادگیری، آموزش مبتنی بر آن‌ها، و نیاز به تعدد آن‌ها در آموزش تربیت بدنی تأکید می‌کند.

**فصل دوم** «توصیف الگوهای آموزشی در تربیت بدنی» و متمرکز بر الگوهای آموزشی، مزایای استفاده از آن‌ها، چهارچوبی بر توصیف آن‌ها، و نحوه انتخاب الگوهای آموزشی است. در این فصل نویسنده ضمن اشاره به تعاریف مختلف واژه «الگو» به تعریف موردنظر در این کتاب و ترکیب آن با واژه «آموزشی» می‌رسد. او الگوهای آموزشی را ماکتی برای معلمان می‌داند که به آن‌ها امکان می‌دهد تا در یک نظر اجزا و خصوصیات آن را ببینند، درک کنند، و در صورت نیاز به‌کار گیرند. تلقی نویسنده از الگوهای آموزشی به‌ویژه در این کتاب شیوه‌ای است که طی آن یک نقشه اولیه به‌منزله یک برنامه برای ساختن چیزی یا برای پی‌گیری دستورالعمل به‌کار می‌رود. در ادامه، در توصیف مزیت الگوهای آموزشی به یازده مورد اشاره می‌شود که گویای جامعیت و انسجام برای تحقق دستاوردهای یادگیری مشخص با شیوه‌ای معین است.

**فصل سوم** «حوزه‌های دانش برای آموزش مبتنی بر الگو در تربیت بدنی» است و ابعاد متنوع دانش پایه برای تدریس تربیت بدنی را تشریح می‌کند. این ابعاد بافت یادگیری، یادگیرندگان، نظریه‌های یادگیری، عمل متناسب با رشد در تربیت بدنی، حیطه و اهداف

یادگیری، محتوای تربیت بدنی، سنجش، فضای اجتماعی/عاطفی، تساوی حقوق در سالن ورزش، و الگوهای برنامه درسی تربیت بدنی است. در انتهای این فصل نویسنده به لزوم پرورش معلمان تربیت بدنی متخصص آشنا با این دانش‌های پایه و متنوع اشاره می‌کند.

**فصل چهارم** «راهبردهای تدریس در آموزش مبتنی بر الگو» است و دو موضوع راهبردهای مدیریتی و راهبردهای آموزشی را بررسی می‌کند. در واقع، نویسنده موضوع مدیریت کلاس را شامل مدیریت پیش‌گیرانه، مدیریت تعاملی، و راهبردهای گروه‌بندی و راهبردهای ارائه تکلیف (راهبردهای ارتباطی، مقدمه‌چینی، و بررسی درک و فهم دانش‌آموزان) را راهبردهایی برای ساختار تکلیف و درگیری دانش‌آموزان در فرایند یادگیری معرفی می‌کند که برای این منظور مجموعه‌ای از عملیات، منابع، و ابزار به کار می‌رود. معلم باید به سطح دشواری تکلیف و تناسب آن با رشد دانش‌آموزان توجه کند و راهبردهای انتخاب فعالیت‌های یادگیری (یعنی سازمان‌دهی برای انتقال آموزه‌ها در سه حیطه یادگیری که معلم برای این منظور گزینه‌های متعددی پیش‌رو دارد. برای مثال در فعالیت‌های یادگیری با تأکید بر حیطه روانی حرکتی معلم می‌تواند از ایستگاه‌های یادگیری، شبه‌بازی‌های ورزشی، و بازی‌های ورزشی تعدیل یافته برای انتقال آموزه‌های حیطه عاطفی از تکالیف مشارکتی، تکالیف تأملی-انعکاسی، و تکالیف مبتنی بر بیان ارزش‌ها و برای انتقال مفاهیم و تحریک و توسعه حیطه شناختی از تکالیف تفکر انتقادی، بررسی درک و فهم، تکالیف خانگی، خودتحلیلی و تحلیل بصری عملکرد هم‌کلاسی، و... استفاده کند)، راهبردهای پیش‌برد تکلیف (شامل پیش‌برد مبتنی بر تبحر و پیش‌برد مبتنی بر زمان)، راهبردهای پیشینه‌سازی ایمنی دانش‌آموزان (وضع مقررات ایمنی، مرور مقررات، اعمال مدیریت اقتضایی، و نظارت بر دانش‌آموزان)، و راهبردهای مرور و خاتمه درس (انتقال به مرحله خاتمه کلاس، مرور رهنمودهای یادگیری، سنجش غیررسمی یادگیری، و...) را ذیل راهبردهای آموزشی در آموزش مبتنی بر الگو قرار دهد و تشریح کند.

**فصل پنجم** «مهارت‌های تدریس اثربخش در آموزش مبتنی بر الگو» است و در چهارچوب مطالبی درباره کیفیت بخشی به همان راهبردهای مدیریتی و آموزشی تدوین شده است. برای این منظور نویسنده مطالب را در هفت حوزه ارائه کرده است: حوزه برنامه‌ریزی برای آموزش (اشاره به عناصر واحد درسی)، حوزه مدیریت زمان (آماده‌سازی تجهیزات قبل از کلاس و بهره‌گیری از روشی جدید برای حضور و غیاب)، حوزه کلاس (ایجاد محیط یادگیری، مدیریت فضا و تجهیزات، و پایش دانش‌آموزان در حین اجرای فعالیت‌های یادگیری)، ارائه تکلیف (جلب و حفظ توجه دانش‌آموزان، ارائه اطلاعات واضح به

دانش آموزان، ارائه هم‌زمان اطلاعات گفتاری و دیداری، و استفاده از واژه‌های قابل درک)، و ساختار تکلیف (شرح مدت زمان تکلیف، توضیح معیارهای عملکردی، شرح گونه‌های درون‌تکلیفی، و شرح گزینه‌های تغییر سطح دشواری)، حوزه ارتباط (جلب توجه دانش‌آموز، صحبت واضح و شفاف، استفاده از واژه‌ها در سطحی مناسب، و تغییر آهنگ صدا)، حوزه ارائه اطلاعات آموزشی (ره‌نمودها، راه‌نمایی، و بازخورد)، حوزه استفاده از پرسش برای یادگیری (پرسش‌های محتوایی، مهارت استفاده از پرسش، و درخواست توضیح و دلیل)، و حوزه مرور و خاتمه درس (انتقال به بخش مرور و استفاده از ارتباط‌های تعاملی).

**فصل ششم** با عنوان «برنامه‌ریزی برای آموزش اثربخش در تربیت بدنی» یکی از مهم‌ترین بخش‌های آموزش اثربخش در تربیت بدنی را بررسی می‌کند. در این فصل نویسنده نه به بحث روش‌ها و الگوهای تدریس بلکه به برنامه‌ریزی درسی تربیت بدنی در دو سطح واحد درسی و طرح درس اشاره کرده است. این مطالب راه‌نمایی‌های عملی خوبی برای رفع ابهام‌ها در برنامه‌ریزی درسی و اجرای آن در سطح کلاس برای متخصصان و معلمان تربیت بدنی دارند. یک برنامه جامع واحد درسی ده مؤلفه دارد:

- تحلیل بافت: شامل معلم، دانش‌آموزان، محتوا، و منابع موجود؛
- تحلیل و فهرست‌بندی محتوای درس: بدین معنی که هر واحد درسی دربرگیرنده چیست و دانش‌آموزان به چه ترتیب آن‌ها را یاد خواهند گرفت، تعیین نسبت میان مدت یادگیری هر بخش از محتوا از سوی بیش‌تر دانش‌آموزان و تعداد دروس هر واحد درسی؛
- اهداف عینی یادگیری: این اهداف در سه حیطه شناختی، عاطفی، و روانی حرکتی و در دو سطح کلی و رفتاری تدوین می‌شوند و باید متناظر با یک‌دیگر باشند؛
- انتخاب الگوی آموزشی: تصمیم‌گیری درباره انتخاب الگو حتماً بعد از مدنظر قرار دادن بافت، محتوا، و اهداف انجام می‌شود. نکته مهم این‌که اگر در کل یک واحد درسی از یک الگو استفاده شود، یادگیری دانش‌آموز به حداکثر می‌رسد؛
- طرح‌واره مدیریتی: به‌منظور تعیین مقررات مهم، دستورالعمل‌های روزمره، و رویه‌هایی به‌کار می‌رود که محیط یادگیری را طی واحد درسی ایمن و کارآمد می‌کند؛
- فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموز؛
- سنجش یا تعیین سطح؛
- نقش‌ها و وظایف معلم در واحد درسی؛
- نقش‌ها و وظایف دانش‌آموز در واحد درسی؛

- برنامه‌ریزی در سطح طرح درس: در این بخش مهم‌ترین کار این است که مشخص شود چه بخشی از برنامه واحد درسی قرار است در هر درس یا یک جلسه درس روزانه اجرا شود. بیش‌تر طرح درس‌ها هفت جزء دارند: ۱. توضیح بافت، ۲. اهداف عینی یادگیری، ۳. دستورالعمل‌های مدیریت زمان و مکان، ۴. فعالیت‌های یادگیری، ۵. ارائه تکلیف و ساختار تکلیف، ۶. سنجش، ۷. مرور و خاتمه.

در ادامه، نویسنده جزئیات بیش‌تری برای توضیح هریک از اجزای طرح درس مطرح می‌کند و توصیه‌هایی برای طراحی آن، به‌ویژه از طریق طرح مجموعه‌ای از پرسش‌ها، ارائه می‌دهد.

**فصل هفتم** «سنجش یادگیری دانش‌آموزان در آموزش مبتنی بر الگو» است. این فصل بسیاری از عناصر را توصیف می‌کند که باید در دروس تربیت بدنی منطبق بر رویکرد آموزشی مبتنی بر الگو برای سنجش مطلوب مورد توجه قرار گیرند. نویسنده در ابتدا اشاره می‌کند که توصیف میزان یادگیری در یک مدت زمان آموزشی معین، قضاوت در مورد کیفیت یادگیری، و تصمیم‌گیری برای اصلاح شیوه آموزش سه دلیل عمده برای سنجش محسوب می‌شود. این فصل دارای قسمت‌های پیوند دادن استانداردها به سنجش، مفاهیم، و اصطلاحات کلیدی سنجش (سنجش و ارزش‌یابی، زمان‌بندی سنجش‌ها شامل مستمر و تکوینی و پایانی، مبنای عملکرد شامل سنجش‌های هنجاربنیاد و سنجش‌های معیاربنیاد، برنامه سازمان‌یافته برای سنجش شامل سنجش‌های غیررسمی و سنجش‌های رسمی)، سنجش‌های سنتی در تربیت بدنی (مشاهده غیررسمی معلم، آزمون‌های مهارتی استاندارد شده، آزمون‌های آمادگی جسمانی، و آزمون‌های کتبی)، مزایای سنجش‌های سنتی، کاستی‌های سنجش‌های سنتی، سنجش‌های بدیع در تربیت بدنی (پروژه‌های گروهی، گزارش‌های چندرسانه‌ای، فعالیت‌نماها، دفتر وقایع روزانه شخصی، ایفای نقش، امتحانات شفاهی، گزارش‌های نمایشی - توضیحی، مصاحبه، استفاده از چک‌لیست‌های عملکردی برای مشاهده دانش‌آموز از سوی هم‌تا، معلم، یا خودش، کارپوشه، روبریک، و انواع آن و نیز توضیح فرایند تهیه یک روبریک خوب و اهمیت آن در سنجش بدیع در تربیت بدنی و ارائه نمونه‌هایی از روبریک)، کاستی‌های سنجش بدیع، سنجش واقع‌گرایانه در تربیت بدنی (درک این موضوع که آیا دانش‌آموزان دانش، مهارت، و نگرش کسب‌شده را در صحنه واقعی زندگی به کار خواهند برد)، سنجش در آموزش مبتنی بر الگو، استفاده از سنجش در مستندسازی یادگیری (محاسبه دقیق میزان یادگیری دانش‌آموزان پس از شرکت در کلاس و یا

محاسبه ارزش افزوده، و کاربردی کردن سنجش‌ها (ره‌نمودهایی برای عملی کردن سنجش با توجه به مدت کلاس و فرصت معلم) است.

**بخش دوم** با عنوان «هشت الگوی آموزشی در تربیت بدنی» دارای هشت فصل است. این بخش، بر مبنای توضیحات فصول بخش اول، الگوهای آموزشی در تربیت بدنی را تشریح می‌کند. آنچه در بخش اول کتاب آورده شده است بیش‌تر جنبه انتزاعی دارد. در بخش دوم خواننده با تصویر واضحی از شکل واقعی هر الگو و نحوه به‌کارگیری آن در تدریس آشنا می‌شود. نویسنده در ابتدای بخش دوم مجدداً دو نکته مهم را گوش‌زد می‌کند: نکته اول این‌که هر الگوی آموزشی دستاوردهای یادگیری خاصی را در دانش‌آموزان ارتقا خواهد داد و نکته دوم این‌که اثربخشی هر الگوی آموزشی به این بستگی دارد که معلم آن را طراحی شده یا ناقص اجرا کند. برای این منظور معیارهایی برای ارزیابی کاربست صحیح الگوها طراحی شده است. فصول این بخش دارای ساختاری مشابه و به‌قرار جدول ۳ است.

جدول ۳. ساختار فصول بخش دوم کتاب *الگوهای آموزشی در تربیت بدنی*

۱. عنوان فصل
۲. مرور کلی
۳. مبانی (۱.۳ نظریه و منطق، ۲.۳ فرضیه‌های یاددهی و یادگیری، ۳.۳ پیام اصلی الگو، ۴.۳ اولویت‌های حیطه یادگیری و تعاملات حیطه‌ای، ۵.۳ نیازهای رشدی دانش‌آموز، ۶.۳ اعتبارسنجی الگو)
۴. مشخصه‌های یاددهی و یادگیری (۱.۴ صراحت و جامعیت، ۲.۴ تکالیف یادگیری، ۳.۴ طرح‌های درگیرسازی دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، ۴.۴ نقش‌ها و مسئولیت‌های معلم و دانش‌آموز، ۵.۴ تعیین صحت و سقم فرایندهای آموزشی، ۶.۴ سنجش یادگیری)
۵. مقتضیات اجرایی و تعدیلات (۱.۵ تخصص معلم، ۲.۵ مهارت‌های کلیدی تدریس، ۳.۵ مقتضیات بافتی، ۴.۵ انتخاب و تعدیل الگو)
۶. توصیه‌هایی برای برنامه‌ریزی الگو
۷. خلاصه
۸. فعالیت‌های یادگیری
۹. موضوعاتی برای تأمل و بحث در گروه‌های کوچک
۱۰. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیش‌تر الگو

با توجه به تعدد الگوها و یک‌سان‌بودن مؤلفه‌های توصیف و تحلیل آن‌ها، تلاش ناقد بر آن است تا در توصیف آن‌ها صرفاً به ارائه ایده کلی هر الگوی آموزشی بسنده کند و خواننده را به مطالعه خود اثر ترغیب کند.

**فصل هشتم** «آموزش مستقیم، معلم در نقش رهبر آموزشی» است و اسامی مشابهی هم چون «آموزش صریح»، «تدریس فعال»، و «آموزش معلم‌محور» نیز دارد. در این نوع آموزش یاددهی بر نقش تمام‌عیار معلم و یادگیری بر توفیق دانش‌آموز استوار است. در یادگیری: توانایی‌های ادراکی، قدرت، سرعت و استقامت، توانایی درک، و توانایی دریافت بازخورد دانش‌آموز نقش دارد. در پذیرش الگو: این الگو با دانش‌آموزان گریزان، رقابت‌جو، و وابسته متناسب است. نقش اصلی در تمامی مراحل با معلم و دانش‌آموز یا کمک‌کننده یا تبعیت‌کننده است.

**فصل نهم** «نظام آموزش شخصی‌سازی‌شده، دانش‌آموزان در حد توانشان سریع و در حد...» است. نام دیگر آن آموزش شخصی‌سازی‌شده یا برنامه کلاسی است. همانند کلاس‌های پرجمعیت این الگو نیز بر مراقبان و دستیاران معلم متکی است. PSI براساس یک برنامه منسجم برای محتوای واحد درسی بنا شده است، اما دارای طرح درس روزانه نیست. PSI موانع کلاس‌های پرجمعیت را رفع می‌کند و یاددهی بر تعامل با دانش‌آموز، به‌جای مدیریت کلاس و یادگیری به روال دانش‌آموز، تحقق پیدا می‌کند. در یادگیری توانایی خواندن (مشاهده) و درک مطالب دانش‌آموز سهم دارد. پذیرش الگو با دانش‌آموزان گریزان، رقابت‌جو، و وابسته متناسب است. دانش‌آموز نقش فعال و معلم نقش برنامه‌ریزی و نظارت دارد.

**فصل دهم** «یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان با هم، به‌وسیله هم، و برای هم یاد می‌گیرند» است. در واقع گروه‌بندی دانش‌آموزان در قالب گروه‌های یادگیری برای مدتی معین و تکالیفی معین است. هدف مشترک تکمیل یک تکلیف یادگیری با تکیه بر عملکرد درون‌گروهی است. راه برهای آموزشی این الگو سه ویژگی مشترک و شش عنصر رویه‌ای دارد. یاددهی بر نقش تسهیل‌کننده و پایش‌کننده معلم و یادگیری بر ساختار مشارکتی استوار است. در یادگیری دانش‌آموز باید توانایی به‌کارگیری استعدادهای خود برای تیم را داشته باشد. پذیرش الگو برای دانش‌آموزان مشارکت‌جو، یاری‌گر، و رقابت‌جو مناسب است. معلم و دانش‌آموز هر دو اعمال خاصی را انجام می‌دهند.

**فصل یازدهم** «تعلیم و تربیت ورزشی، یادگیری برای تبدیل شدن به ورزش‌کاری متبحر...» است. ورزش هسته سازمان‌دهنده برنامه تربیت بدنی است. این الگو از نحوه اجرای لیگ‌های ورزشی اقتباس شده است. هدف این الگو پرورش ورزش‌کارانی متبحر، باسواد، و مشتاق است. این الگو شش مشخصه کلیدی فصل‌ها، وابستگی، رقابت رسمی، روی داد پایانی، ثبت رکوردها، و جشن گرفتن را دارد. معلم در ترکیب راه‌بردهای آموزش

مستقیم، یادگیری مشارکتی، و تدریس از طریق همتا و گروه‌های کوچک نقش تسهیل‌کننده دارد و یادگیری با مشارکت فعال دانش‌آموز انجام می‌شود. در یادگیری توانایی پذیرش نقش‌های غیربازیکنی لازم است. در پذیرش الگو برای دانش‌آموزان مشارکت‌جو، یاری‌گر (در تیم خود)، و رقابت‌جو (در مقابل سایر تیم‌ها) مناسب است.

**فصل دوازدهم «تدریس از طریق همتا، من به تو درس می‌دهم، سپس تو به من درس بده»** است. این الگو نه سبک تدریس دوجانبه و نه یادگیری شریکی است، بلکه این الگو به شرط برنامه‌ریزی معلم از راه برده‌های تغییر یافته آموزش مستقیم شکل می‌گیرد. دلیل اصلی کاربرد این مدل کمک به ارائه بازخوردهای بیش‌تر به دانش‌آموزان است. معلم یاددهی همه مراحل آموزش مستقیم به جز تعاملات آموزشی را برعهده دارد و یادگیری در هر سه حیطه تسهیل می‌شود. از منظر معلم خصوصی، دانش‌آموز باید بتواند مسئولیت آموزش را برعهده بگیرد و دانش‌آموز دیگر آمادگی پذیرش را داشته باشد.

**فصل سیزدهم «تدریس از طریق پرس‌وجو، یادگیرنده در نقش حل‌کننده مسئله»** است. تدریس غیرمستقیم، حل مسئله، و تدریس از طریق کاوش‌گری و اکتشاف هدایت‌شده همگی اسامی دیگری برای الگویند که با محوریت پرسش معلم و پاسخ‌شناختی و سپس حرکتی دانش‌آموز هم‌راه است. این الگو بر برنامه مبتنی بر حرکت استوار است. در یاددهی فرض بر تحریک قوه تفکر دانش‌آموز از طرف معلم است و ترکیبی از آموزش مستقیم و غیرمستقیم مدنظر است. در یادگیری فرض بر این است که فعالیت یادگیری برای دانش‌آموز معنادار باشد. یادگیری اساساً فرایند حل مسئله است. رشد در هر دو حیطه روانی حرکتی و شناختی شرط لازم برای یادگیری است.

**فصل چهاردهم «بازی‌های ورزشی تاکتیکی، تدریس بازی‌های ورزشی برای فهمیدن»** است. این الگو بر رویکرد بریتانیایی به نام «تدریس بازی‌های ورزشی برای فهمیدن» بنا شده است. از آن‌جا که بازی‌های هم‌طبقه مسائل تاکتیکی مشابه دارند، آموزش آن‌ها به انتقال به یک‌دیگر منجر می‌شود. در یاددهی فرض بر توانایی معلم در گنجاندن تاکتیک‌ها در بازی است. به طوری که بازی‌ها به انتقال دانش تاکتیکی و مهارت‌های ورزشی کمک کنند. در یادگیری فرض بر این است که بازی ورزشی جذاب‌تر از تمرین مهارت است. دانش تاکتیکی پیش‌نیاز دانش مهارتی است. رشد در توانایی درک بازی ورزشی به واسطه توانایی‌های ذهنی و شنیداری برای یادگیری لازم است.

**فصل پانزدهم «تدریس مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، تلفیق، انتقال، توان‌مندسازی و...»** است. این الگو براساس امکان آموزش ارزش‌ها از طریق فعالیت جسمانی بنا شده

است. از میان ارزش‌ها مسئولیت‌پذیری ارزشی عام است. این ایده اندیشه اصلی و پنهان TPSR است. TPSR الگوی جبرانی نیست. در یاددهی امکان خلق و به‌کارگیری راه‌بردها و فرایندهای TPSR وجود دارد. در یادگیری فرض بر دانش‌آموزمحوری است و پذیرش اصل نابرابری در پیشرفت دانش‌آموزان مدنظر است. موفقیت و شکست فرصتی برای TPSR است. TPSR آمادگی و پذیرش دانش‌آموز برای یادگیری را تغییر می‌دهد. در این الگو دو نوع آمادگی بدنی و مسئولیت فردی و اجتماعی لازم است. پذیرش TPSR از سوی دانش‌آموزان متغیر است. معلم حدی را برای گریزانی، یاری‌گری، رقابت‌جویی، و استقلال مشخص می‌کند و از این حد TPSR شروع می‌شود. نقش معلم و دانش‌آموز در الگوی TPSR براساس سطح و نوع راه‌برد متفاوت است.

## ۶. تحلیل کتاب

تحلیل یافته‌های پژوهش در بعد ظاهری براساس شیوه‌نامه تدوین و آماده‌سازی منابع درسی و علمی (سمت ۱۳۸۹) و در بعد محتوایی باتوجه‌به روش تحقیق و در چهارچوب معیارهای تحلیل و نقد کتاب‌های آموزشی موضوع راه‌نمای نگارش مقاله انتقادی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۹۵) و تلفیقی از سایر اشکال نقد انجام شده است. البته در این زمینه برای نقد ویژگی‌های ظاهری و محتوای اثر از معیارهای راه‌نمای تألیف، ترجمه، و نشر کتاب‌های علمی و درسی (سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی ۱۳۹۰) کمک گرفته شده است.

### ۱.۶ تحلیل ویژگی‌های ظاهری

باتوجه‌به این‌که این کتاب را انتشارات سمت چاپ کرده است، ویژگی‌های ظاهری (شناسه اثر، طرح جلد، صفحه‌آرایی، و...) آن با شیوه‌نامه مصوب سمت کاملاً منطبق است. از نظر حروف‌نگاری نوع قلم و اندازه آن مناسب و خواندن مطالب آسان است. صفحه‌آرایی وضعیت مطلوبی دارد. به‌رغم تعداد زیاد صفحات کتاب (۶۹۳ صفحه) و قطوربودن آن صحافی و استحکام خوبی دارد و تورق آن باعث گسستن صفحات از یکدیگر نمی‌شود. هم‌چنین قطع کتاب مناسب کتاب دانشگاهی است. کتاب دارای ویراستار علمی و ادبی است و این ویژگی کمک‌شایانی به بهبود قواعد ویرایشی و نگارشی کرده است. اثر مذکور از نظر نگارش، ویرایش، و هم‌چنین روانی متن در حد مطلوب است. این موضوع در سراسر



کتاب قابل درک است. به عبارت دیگر، نگارش یک‌دست را ویراستار علمی هدایت کرده است و این تلاش به روان و رسابودن اثر در حد عالی به خواننده کمک می‌کند تا به راحتی و پیوسته مطالب را دنبال کند. روانی کتاب سه علت دارد؛ نخست این که نویسنده بومی آمریکاست، دوم این که مترجمان در بسیاری از قسمت‌های کتاب از روش ترجمه آزاد استفاده کرده‌اند، و سوم این که ویراستار ادبی به روان‌سازی مطالب کمک کرده است.

کتاب اهداف فصل ندارد و فقط از برخی از ابزارهای علمی برای تفهیم مطالب استفاده کرده است. به منظور افزایش اثربخشی و سهولت استفاده از کتاب، قسمت‌هایی از جمله فهرست مطالب، مقدمه، فعالیت‌های آموزشی، منابع برای مطالعه بیشتر، جدول/ضمیمه در کتاب گنجانده شده است که به جامعیت صوری کتاب کمک می‌کند. در فهرست مطالب به جای نوشتن «فصل اول» نوشته شده «۱»، که به نظر مناسب نیست. شماره‌گذاری عناوین قسمت‌ها و زیرقسمت‌ها از معیارهای لازم برای کتاب‌های درسی است که در این کتاب رعایت نشده است. حجم صفحه‌های کتاب زیاد است و دلیل بارز آن انتخاب ساختار درون فصول و بین دو بخش اول و دوم کتاب است. نویسنده با الزام به رعایت ساختار یک‌سان برای درون فصول بخش دوم کتاب، که مفاهیم آن در فصل‌های بخش اول کتاب به تفصیل آورده شده است، در چرخه تکرار و زیاده‌گویی افتاده و این کار را تا آخر ادامه داده است. این امر باعث افزایش سطرهای کتاب شده و در ساختار آن تأثیر گذاشته است.

## ۲.۶ تحلیل ویژگی‌های محتوایی

باتوجه به این که نویسنده و مترجمان موضوع موردنقد را کتاب درسی / آموزشی می‌دانند، در قسمت تحلیل ابعاد محتوایی، با استناد به معیارهای نقادی کتاب‌های آموزشی، به ترتیب گام‌های فرایند نقد محتوایی ارائه می‌شود:

**نظم منطقی و انسجام (کلی و درون‌فصلی):** از امتیازات بارز این کتاب انسجام درونی مطالب در بخش‌ها و برخی از فصل‌هاست. انسجام فصول بخش دوم کتاب عالی است، اما ارتباط و هم‌بستگی بین فصول بخش اول خالی از اشکال نیست. بنابراین می‌توان ملاحظه کرد که عناوین انتخاب‌شده برای فصل‌های چهارم، پنجم، و ششم با مباحث مطرح‌شده در درون فصل و مبانی نظری شناخته‌شده متناسب نیست. عنوان فصل چهارم «راه‌بردهای تدریس» است، در حالی که راه‌بردهای مدیریتی / کلاس‌داری را نیز شامل شده است! دوباره همین موضوعات در قالب «مهارت تدریس اثربخش» آورده شده است، که به هم‌پوشانی،

افزایش حجم مطالب، و آشفتگی ذهن خواننده منجر می‌شود. از سوی دیگر، عنوان مناسب برای فصل ششم «طراحی آموزشی» است. مؤلف در هیچ جایی از کتاب به موضوع «طراحی آموزشی» اشاره‌ای نکرده است. در مجموع نکته بارز این‌که، آنچه برای درک ابعاد آموزشی الگوها در فصل‌های بخش دوم لازم است، قبلاً در فصل‌های بخش اول به تفصیل آورده شده است.

**اعتبار علمی و روزآمدی مطالب و منابع:** منابع به‌کاررفته از نظر اعتبار علمی، روزآمدی مطالب، استناددهی و ارجاعات علمی، و امانت‌داری مقبول است. کیفیت و بی‌طرفی علمی در بررسی و تحلیل علمی مسئله چگونگی و روش‌های منسجم برای تدریس تربیت بدنی در دوره‌های تحصیلی به‌خوبی انجام شده، اما کمیت آن زیاد است، به‌گونه‌ای که خواننده را از بیان تکراری خسته می‌کند. این موضوع در انتخاب ساختار فصول ریشه دارد و محتوای غنی کتاب را تکراری کرده است.

**نوآوری:** نوآوری ارائه‌شده در این کتاب ایده «الگوی آموزشی» به‌جای روش، سبک، و راه‌برد است. ایده الگوی آموزشی، که از آن به‌منزله نقشه راهی برای تلفیق و یک‌پارچگی راه‌بردهای تدریس متعدد یاد می‌شود، محور اصلی مباحث مطرح‌شده از سوی نویسنده در فصول کتاب است و نوآوری این کتاب محسوب می‌شود. البته نوآوری نه به‌دلیل طرح موضوع الگوهای آموزشی تربیت بدنی در دهه کنونی، بلکه به دو جهت اول گردآوری آن‌ها در یک مجموعه و دوم ارائه آن‌ها در ساختاری منسجم مشتمل بر مبانی، مشخصه‌های یاددهی و یادگیری، مقتضیات اجرایی، و تعدیلات و توصیه‌هایی برای برنامه‌ریزی و اجرای الگو. جویس و ویل (۱۹۸۰) قبلاً موضوع الگوهای آموزشی را مطرح کرده‌اند و رضانی‌نژاد (۱۳۸۵) نیز آن را گردآوری و ارائه کرده است. البته برخی از الگوهای آموزشی هم‌چون الگوی مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی (حلاجی ۱۳۹۳؛ حلاجی ۱۳۹۶؛ حلاجی ۱۳۹۷) و الگوی یادگیری مشارکتی (واعظ موسوی و مرشدی ۱۳۹۰) جداگانه در ایران معرفی شده‌اند. هم‌چنین باید خاطر نشان کرد که در برخی منابع به الگوهای دیگری در آموزش تربیت بدنی اشاره شده که یا به‌طور کلی در مجموعه الگوهای بیان‌شده در این کتاب نیست و یا به اسم دیگری آورده شده است. برای نمونه، الگوهای حرکتی - مهارتی، تلفیقی، آمادگی جسمانی، و ترکیبی که در این کتاب از آن‌ها یاد نشده و الگوی آموزش بازی که به نام الگوی بازی‌های ورزشی تاکتیکی بیان شده است (رضانی‌نژاد ۱۳۸۵؛ حلاجی ۱۳۹۵).

**سازواری با مبانی و پیش فرض های علمی و پژوهشی و ارزش های اسلامی و اصول دینی و فرهنگی:** نویسنده مطالب ارائه شده را (به ویژه در فصل های بخش دوم) با منابع علمی معتبر کتاب سازگار کرده است. در فصول بخش دوم پشتوانه های پژوهشی، حرفه ای، و شهودی برای اعتباربخشی به الگوهای آموزشی در حد کفایت در ذیل عنوانی مشخص آورده شده است. از امتیازات این اثر عدم سوگیری و جانب داری علمی است. نویسنده کوشیده تا از منابع علمی معتبر در کیفیت تدوین مطالب هر فصل حداکثر بهره را ببرد. بنابراین میزان سازواری محتوای علمی و پژوهشی اثر با مبانی و پیش فرض های مورد قبول در حوزه نظری و موضوعی به ویژه درون هر فصل عالی ارزیابی می شود. سازواری محتوای علمی و پژوهشی اثر با مبانی و پیش فرض های دینی و اسلامی، اگرچه به صراحت به آن اشاره نشده است، اما وجود دارد. تربیت بدنی اکنون در مبانی نظری تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش ذیل ساخت زیستی و بدنی مورد توجه قرار می گیرد. از اهداف این ساحت، به منزله یکی از شش ساحت مهم تربیت، تقویت قوای جسمانی، و حفظ و افزایش آمادگی جسمانی است. بنابراین اگرچه توجه این ساحت عمده تاً درباره سلامت است، اما به تربیت بدنی در حکم یکی از ظرفیت های برقراری و حفظ سلامت تأکید شده است (اگرچه مطابق با مبانی نظری سلامت یکی از پی آمدها و نه اهداف تربیت بدنی محسوب می شود). به همین منوال، در سند برنامه درسی ملی یکی از حوزه های یازده گانه تربیتی حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت بدنی است که عمده تاً اهداف خود را دنبال می کند. بنابراین این درس به منزله یکی از دروس ممکن حوزه یادگیری سلامت و تربیت بدنی در راستای تحقق شئون حیات طیبه گام برمی دارد و از این رو این کتاب در بسترسازی کسب شایستگی های دانش آموزان با رویکرد اسلامی سازواری لازم را دارد. به ویژه این که در حوزه اهداف عاطفی و اجتماعی مدل هایی مطرح شده است که از بهترین مدل های تکامل عاطفی و اخلاقی دانش آموزان محسوب می شود (به مدل دونالد هلیسون در فصل پانزدهم رجوع شود). در نگاهی کلی، رویکرد اثر به فرهنگ و ارزش های اسلامی و نیازهای علمی یا کاربردی مطرح در فضای جامعه اسلامی امروز مثبت ارزیابی می شود.

**جامعیت (تناسب با اهداف درسی و آخرین سرفصل های مصوب):** تطابق متن کتاب با سرفصل های درسی دانشگاهی تبیین نشده است، اگرچه نویسنده خود چنین ادعایی ندارد و آن را برای مطالعه به معلمان توصیه کرده است و این به دلیل ساختار آموزشی ایالات متحده مبتنی بر استقلال معلم مانند اعضای هیئت علمی در تعیین و تولید محتوا و روش های اجراست؛ اما مترجمان آن را در حکم کتاب درسی دانشگاهی برای تدریس در دوره های

مختلف توصیه کرده‌اند. در دوره کارشناسی دو نوع برنامه درسی و در سطح تحصیلات تکمیلی کارشناسی ارشد آموزش تربیت بدنی در یکی از گرایش‌های رفتار حرکتی در حال برگزاری است که مطالب این کتاب با ملاحظات می‌تواند در تولید محتوا و نه مستقیماً در آموزش درس‌های «روش‌های آموزش تربیت بدنی و ورزش» (درس اجباری کارشناسی علوم ورزشی)، «تحلیل تدریس تربیت بدنی» (درس اختیاری کارشناسی علوم ورزشی)، دروس «الگوها و روش‌ها در آموزش تربیت بدنی»، «برنامه‌ریزی درسی در آموزش تربیت بدنی»، «طراحی آموزشی در آموزش تربیت بدنی»، و «سنجش و اندازه‌گیری و آزمون‌سازی در آموزش تربیت بدنی» دوره کارشناسی آموزش تربیت بدنی مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا مؤلف از همه موضوعات درسی فوق در این کتاب سخن گفته است.

**معادل‌سازی و کاربرد اصطلاحات تخصصی:** کیفیت معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی در این اثر مطمئن نیست. مترجمان نتوانسته‌اند در مواجهه با ترکیبات اسمی / گروه‌های اسمی معادل صحیح را پیدا کنند. برای نمونه به معادل‌های ارائه‌شده در چند پانویست اشاره می‌شود. عبارت «*The Journal of Applied Behavior Analysis*»، «نشریه تحلیل کاربردی رفتار» ترجمه شده، در حالی که ترجمه صحیح آن «نشریه تحلیل رفتار کاربردی» است. همین‌طور عبارت «*qualitative measure of teaching performance scale*»، «مقیاس اندازه‌گیری کیفی عملکرد تدریسی» ترجمه شده، در حالی که ترجمه صحیح آن «اندازه / درجه کیفیت مقیاس عملکرد تدریس» است. هم‌چنین عبارت «*physical*» در اکثر موارد «بدنی» ترجمه شده، در حالی که «جسمانی» صحیح است.

**پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و کاربردی کشور:** تفاوت بین برنامه‌ریزی و طراحی آموزشی در سطوح کلان، میانی، و خرد بین کشورهای با نظام دولتی متمرکز (هم‌چون ایران) و نظام دولتی غیرمتمرکز (هم‌چون آمریکا) باعث شده است مطالب این کتاب در راستای تأمین نیازهای معلمان تربیت بدنی در نظام‌های غیرمتمرکز باشد، اما با توجه به این‌که در سطوح میانی متخصصان برنامه‌ریزی در طراحی آموزشی تربیت بدنی به آگاهی از محتوای این‌گونه کتاب‌ها نیاز دارند، معلمان نیز به تبع آن از آثار این برنامه در قالب کتاب‌های راه‌نمای معلم بهره‌مند خواهند شد. هم‌چنین کتاب سرشار از ایده‌های پژوهشی ضمنی است.

**تناسب اثر با توانایی‌ها، استعدادها، نیازها، و علایق یادگیرندگان:** چنان‌چه مخاطبان این کتاب دانشجویان تحصیلات تکمیلی و متخصصان برنامه‌ریزی درسی تربیت بدنی باشند، مؤلف کتاب در ساختار فصول بخش دوم قسمت‌هایی را با عنوان مقتضیات اجرایی

و تعدیلات، توصیه‌های برای برنامه‌ریزی الگوی آموزشی، موضوعاتی برای تأمل و بحث در گروه‌های کوچک، و منابع پیش‌نهادی برای مطالعهٔ بیش‌تر (منابع به‌کاررفته به‌طور کلی شامل کتاب، مقاله، و سایت) آورده است که می‌تواند به متناسب‌سازی اثر با توانایی‌ها، نیازها، و علایق یادگیرندگان کمک کند. گفتنی است که به‌دلیل نبود محتوای مناسب و ناهمگونی در تدریس واحد درسی برنامه‌ریزی درسی و روش‌های تدریس تربیت بدنی به دانشجویان کارشناسی، به‌نظر می‌رسد معلمان ایرانی با ساختار علمی برنامه‌ریزی درسی و اصطلاحات به‌کاررفته در کتاب حاضر آشنایی کافی ندارند. از این‌رو توصیهٔ این کتاب به معلمان صلاح نیست.

## ۷. خلاصهٔ مزایا و معایب

### ۱.۷ مزایا

— ویژگی‌های ظاهری: شناسهٔ کامل، رعایت قواعد عمومی ویرایش و نگارش، حروف‌نگاری متناسب با سبک کتاب‌های دانشگاهی، سلیس بودن و روانی متن، صفحه‌آرایی مطلوب، و بهره‌گیری از جدول/ضمیمه.

— ویژگی‌های محتوایی: وجود فهرست مفصل، بخش‌بندی و فصل‌بندی کتاب، نظم منطقی بین فصل‌های بخش دوم و درون فصل‌های کتاب، رعایت ساختار فصول به‌ویژه فصل‌های بخش دوم کتاب، اعتبار علمی و روزآمدی مطالب و منابع مرتبط، تحلیل دقیق و موشکافانهٔ مسئله و ایدهٔ کلی در حال بررسی ضمن رعایت بی‌طرفی علمی تا رسیدن به چهارچوبی درخور، نوآوری در ارائهٔ مطالب بخش دوم، ذکر تاریخچهٔ تحولات روش‌های اجرای درس تربیت بدنی در فصل اول کتاب، سازواری مطالب با مبانی نظری نظام تحول رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰) و برنامهٔ درسی ملی (۱۳۹۱) جهت تحقق اهداف ساحت زیستی و بدنی، تناسب برخی از فصول با سرفصل‌های دروس دانشگاهی، پاسخ‌گویی به نیازهای طراحی آموزشی درس تربیت بدنی به‌ویژه طراحی در سطح میانه (راه‌نمای برنامه و راه‌نمای معلم)، کاربرد مطالب کتاب برای کارشناسان و متخصصان تدوین برنامه‌ها و طراحی آموزشی در سطح میانه، وجود قسمتی با عنوان توصیه‌هایی برای برنامه‌ریزی الگوی آموزشی، فعالیت‌های یادگیری، موضوعاتی برای تأمل و بحث در گروه‌های کوچک، و منابع پیش‌نهادی برای مطالعهٔ بیش‌تر.

## ۲.۷ معایب

- در بررسی مؤلفه‌های جامعیت صوری، که هدف از آن‌ها تسهیل مطالعه اثر است، مشخص شد که کتاب فهرست اجمالی، اهداف درس، و خلاصه بخش ندارد. طرح روی جلد نیز جذابیت ندارد.

- هم‌پوشانی برخی فصل‌های بخش اول کتاب (چهارم، پنجم، و ششم)، اختلاف مباحث مطرح شده درون فصل با مبانی نظری شناخته‌شده، و افزایش حجم مطالب به دلیل ساختار نامناسب و تکرار مباحث.

- از منظر نوآوری (اعم از طرح نظریه علمی جدید و ارائه ساختار علمی نو) کتاب مذکور کاستی‌هایی دارد. برای نمونه مؤلف به نظریه پداگوژی ورزشی (sport pedagogy) که شامل دو نظریه برنامه درسی ورزش (sport curriculum) و نظریه آموزش ورزش (sport instruction) و طراحی آموزشی (instructional design) است، اشاره‌ای مستقیم یا غیرمستقیم نکرده است. «طراحی آموزشی» مبحثی علمی در حوزه پداگوژی است. اما مؤلف در هیچ جایی از کتاب به موضوع «طراحی آموزشی» اشاره‌ای نکرده است، درحالی‌که فصل‌های پنجم و ششم در واقع به این موضوع اشاره دارند. بنابراین به راحتی می‌توان در همان بخش اول درباره نظریه‌های موجود بحث کرد. اگر چنین اقدامی انجام می‌شد، خواننده با سطح شناختی بالاتری درباره موضوع مورد بحث آشنا می‌شد.

- به‌رغم آوردن هشت الگوی آموزشی، نویسنده به الگوهای آموزشی تلفیقی و الگوی ترکیبی اشاره‌ای نکرده یا آن‌ها را به چالش نکشیده است.

- به نظر می‌رسد باتوجه به حجم زیاد کتاب، تدریس کامل آن طی یک ترم برای درسی دوواحدی در هر دوره تحصیلی ممکن نباشد.

- معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی در این اثر (باتوجه به روان و رسا بودن نزد مخاطب تخصصی آن) متوسط و در برخی موارد ضعیف ارزیابی می‌شود. ترجمه کتاب قابل اطمینان نیست. روان بودن دلیل بر صحیح بودن نیست.

- توصیه این کتاب به معلمان تربیت بدنی ایرانی شایسته نیست.

## ۸. نتیجه‌گیری

واژه تربیت بدنی و ورزش مدرسه، که معادل هم استفاده می‌شوند (Haag 2008)، گویای کارکرد فعالیت‌های جسمانی و حرکتی در مدارس به‌عنوان یک درس از حوزه سلامت و

تربیت بدنی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران است (شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۹۱). ظرفیت‌های این درس با یافته‌های علمی در ساحت‌های اعتقادی و اخلاقی، زیستی و بدنی، علمی و فناوری، اجتماعی و سیاسی، فرهنگی و هنری، و اقتصادی و حرفه‌ای مطابق است و چنانچه برنامه‌ریزی جامع باشد، موجبات رشد و تکامل دانش‌آموزان را فراهم می‌کند (Hardman 2008; Haag 2003). از مهم‌ترین راه‌های تحقق چنین برنامه‌های جامعی تولید کتاب‌های درسی در حوزه‌های نظری (برای نمونه پداگوژی ورزشی) و موضوعی (برای نمونه آموزش ورزش) درس تربیت بدنی است.

کتاب *الگوهای آموزشی در تربیت بدنی* در دو بخش و پانزده فصل تهیه شده و درصدد است تا ایده برنامه‌ریزی و اجرای درس تربیت بدنی از طریق «الگوهای آموزشی» را به خوانندگان عرضه کند. الگوهای آموزشی که ترکیبی از نظریه، برنامه‌ریزی، رفتار معلم، رفتار دانش‌آموز، و سنجش است، نقشه اولیه برای تدریس معلم تربیت بدنی را به دست می‌دهد. هشت الگوی آموزشی در بخش دوم کتاب معرفی شده که مشتمل است بر هر آنچه برای سازمان‌دهی، اجرا، و سنجش واحد درسی نیاز است. هم‌راه با هر الگو طرح درس‌های نمونه برای چگونگی تطبیق الگو با زمینه‌های تدریسی مختلف و فعالیت‌های یادگیری متناسب با دوران رشد پیش‌نهاد شده است.

نویسنده به تلفیق الگوها هم اعتقادی ندارد، زیرا معتقد است در هر الگو یک راه برد یا چند راه برد هم‌سو را به کار می‌برد. از این رو، ترکیب چند الگو به معنی ترکیب چندین راه برد آموزشی نامتجانس است که صحیح نیست. گذشته از صحت این موضوع، این برداشت قطعی است که عملاً بسیاری از الگوهای یادشده نمی‌توانند کاربرد درخور ملاحظه‌ای داشته باشند. در واقع، انگیزه تألیف این کتاب در بستر اجتماعی ایالات متحده، کشورهای مشترک‌المنافع، و چندین کشور دیگر، که به نوعی درگیر تعدد رویکردهای آموزشی در نظر و عمل اند، موجه به نظر می‌رسد؛ اما در کشورهایی که زمینه‌ها و بافت متفاوتی دارند، صحبت از الگوهای متعدد الزام‌آور نیست.

نویسنده چهارچوب نظری را، آن‌چنان‌که امروزه مطرح است، تبیین نکرده و مسیر مطالب کتاب را با توجه به مدلی کلان معین و روشن نکرده است. در این زمینه توجه به نظریه پداگوژی ورزشی و به تبع آن نظریه برنامه درسی و نظریه آموزش ورزش در تألیف کتاب‌های دانشگاهی می‌تواند موجب افزایش کیفیت آن‌ها شود. برای نمونه، می‌توان به مدل شالمن (۱۹۸۶) توجه کرد. او سه نوع دانش محتوای پداگوژی (pedagogical content knowledge)، دانش موضوعی (subject knowledge)، و دانش

زمینه‌ای / فحوایی (context knowledge) را برای معلمان مفهوم‌سازی کرده است. مؤلف می‌تواند با انتخاب نوع دانش موردنیاز تمرکز خود را به بسط همان دانش و یا تلفیقی از آن‌ها سوق دهد. پیش‌نهاد دیگر استفاده از مدل سه‌وجهی برنامه‌ریزی، اجرا (آموزش)، و سنجش و ارزیابی است. در این خصوص می‌توان از ساختارهای عاملی و فرایندی توأم استفاده کرد (Haag and Nikon 1985).

در مجموع، در صورت رفع مشکلات درون‌فصلی، به‌منظور استفاده از این کتاب در تدریس دانشگاهی، هر بخش باید در یک مجلد به‌چاپ برسد. جلد اول با عنوان «برنامه‌ریزی درسی تربیت بدنی با رویکرد الگوی آموزشی» و جلد دوم با عنوان «الگوهای آموزشی در تربیت بدنی».

## کتاب‌نامه

- ارشاد، طیبه و دیگران (۱۳۹۰)، *راه‌نمای معلم تربیت بدنی پایه ششم ابتدایی*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
- ارشاد، طیبه و دیگران (۱۳۹۳)، *راه‌نمای معلم دوره اول متوسطه*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
- ارشاد، طیبه و دیگران (۱۳۹۶)، *راه‌نمای معلم دوره دوم متوسطه*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
- امیرتاش، علی محمد (۱۳۷۲)، *کلیات روش‌های تدریس درس تربیت بدنی دوره ابتدایی*، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- آذربانی، احمد (۱۳۹۲)، *روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس تربیت بدنی*، تهران: آبیژ.
- آگرین: <http://www.agerin.ir/articles/178-typography>.
- برنامه درسی دوره کارشناسی رشته آموزش تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۴)، تهران: شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم.
- پویان‌فر، علیرضا (۱۳۷۵)، *روش تدریس تربیت بدنی در مدارس راه‌نمایی*، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- تایکنندی، پگاه (۱۳۹۵)، *تایپوگرافی و تاریخچه آن*، وب‌سایت تیم طراحی و تبلیغات.
- حلاجی، محسن (۱۳۹۵)، *الگوها و روش‌های تدریس در آموزش تربیت بدنی (ورزش مدرسه)*، کرج: مهاتما گاندی.
- راه‌نمای تألیف، ترجمه و نشر کتاب‌های سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی (۱۳۹۰)، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.



بررسی و نقد کتاب *الگوهای آموزشی در تربیت بدنی* (محسن حلاجی) ۶۹

رضانی نژاد، رحیم (۱۳۸۵)، «مدل‌های آموزش تربیت بدنی در مدارس»، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی تربیت بدنی،

رضانی نژاد، رحیم (۱۳۹۳)، *تربیت بدنی در مدارس*، تهران: سمت.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۱)، *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

شفیعی، محسن (۱۳۸۶)، *روش تدریس تربیت بدنی*، تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی (۱۳۹۶)، *راهنمای نگارش مقاله انتقادی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کریستین، رابرت (۱۳۸۲)، *آموزش مهارت‌های ورزشی*، ترجمه غلامرضا سراج‌زاده، تهران: اداره کل تربیت بدنی، وزارت آموزش و پرورش.

گرینسکی، استیو (۱۳۹۰)، *یادگیری مشارکتی در تربیت بدنی*، ترجمه سیدمحمدکاظم واعظ موسوی و محمود مرشدی، تهران: سمت.

*گزیله شیوه‌نامه تدوین و آماده‌سازی منابع درسی و علمی* (۱۳۸۹)، تهران: سمت.

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

متسلر، مایکل دبلیو. (۲۰۰۵)، *الگوهای آموزشی در تربیت بدنی*، ترجمه رضوان رضوانی اصل و دیگران، تهران: سمت.

مشخصات کلی، *برنامه آموزشی و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد رفتار حرکتی* (۱۳۹۰)، شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، گروه علوم اجتماعی.

نویدی، احد (۱۳۹۴)، *نقدی بر کتاب انگیزش در یادگیری و آموزش: نظریه‌ها و کاربردها*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی.

هاگ، هربرت (۱۳۹۷)، *آینده تربیت بدنی و ورزش مدرسه در دنیای امروز*، ترجمه محسن حلاجی، قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

هلیسون، دونالد (۱۳۹۳)، *آموزش تربیت بدنی، اهداف و راه‌بردها*، ترجمه محسن حلاجی، تهران: نشر ورزش.

هلیسون، دونالد (۱۳۹۶)، *آموزش مسئولیت‌پذیری از طریق فعالیت‌های حرکتی*، ترجمه محسن حلاجی، تهران: علم و حرکت.

Haag, Herbert (2008), *The Future of School Sport in Today's World*, German: University of Kiel.

Haag, H. and G. Haag (2003), *Dictionary, Sport-Physical Education-Sport Science*, Kiel: ISS.

Hardman, K. (2000), "Comparative Physical Education and Sport", in: *VADEME CUM Directory of Sport Science*, ICSSPE (ed.), Berlin: ICSSPE.

Joyce, B. and M. Well (1980), *Model of Teaching*, Englewood Cliffs: Prentice Hall.

Shulman, L. S. (1987), "Knowledge and Teaching: Foundations of the New Reform", *Harvard Educational Review*, vol. 57, no. 1.

Shulman, L. and P. Grossman (1988), *The Intern Teacher Casebook*, San Francisco, CA: Far Wets Laboratory for Educational Research and Development.